

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۹ اکتوبر ۲۰۱۱

دستاوردها و نارسائی‌های اعتراضات مردمی!

سرمایه صدای همه را در آورده است و همهجا مردم به خیابان‌ها ریخته‌اند و از ادامهٔ چنین وضعیتی ناراضی‌اند. قدرت و ناتوانی محرومان و ستم‌دیدگان از خرید پائین‌ترین اقلام زندگی به حداقل ممکنه رسیده است و میلیون‌ها انسان به دلیل طرح "ریاضت‌کشی" امپریالیست‌ها به ارتش میلیونی بیکاران پیوسته‌اند. تاب و تحمل محرومان به سر رسیده است و در عوض دولت‌مردان کنونی همچنان در پی تخریب زندگی انسان‌ها، چپاول و غارت سرمایه‌های مملکتی‌اند. تا چه زمان می‌توان به چنین وضعیتی ادامه داد و تا چه زمان می‌توان با فریب و ریا و با سرکوب، حاکمیت به ناحق خویش را بر میلیارد‌ها کارگر و زحمتکش و جوان سرتاسر جهان تحمیل نمود؟ مردم و جوانان به چه زبانی و به چه شکلی باید مخالفت خود را از سیستم و مناسبات کنونی اعلام نمایند و با کدامین تجمعات و تحرکات می‌باید صدا و خواسته‌های به حق خویش را به گوش دولت‌مردان برسانند؟

گردهم آمدن‌های مختلف و تمرکز در مراکز سرمایه و خیابان‌ها، نشان از نارضایتی انسان‌ها در برابر تعرضات جدید سرمایه است؛ طرح و بیان انقلاب و متعاقباً خواستهٔ نابودی دولت‌مردان کنونی نماد تمایلات باطنی انسان‌هایی است که در زیر سیاست‌های حاکمان زورگو، له و لورده می‌شوند. فساد و بی‌بند و باری و ازدیاد کودکان کار خیابانی و ناتوانی در پرداخت قبوض کمرشکن، حکایت از دنیائی دارد که طبقهٔ سرمایه‌دار برای میلیارد‌ها کارگر و زحمتکش جهان ساخته است. حقیقتاً که دنیا در مدتی کوتاه به صحنهٔ نبرد و رویارویی معترضان با مدافعان ساختار کنونی تبدیل گشته است. یونان، امریکا، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، پرتغال، کانادا، مکزیک و فرانسه و خلاصه همهجا و در همهٔ قاره‌ها، مردم دست در دست هم و در کنار هم قرار گرفته‌اند و یک درصد از جامعه یعنی حاکمان و حامیان‌شان را به مصاف طلبیده‌اند؛ یک درصدی که به یمن دم و دستگاه‌های حکومتی و دولتی، مناسبات ظالمانهٔ خود را به نود و نه درصد از آحاد جامعه تحمیل نموده است و به تبع آن اعتراضات و خواسته‌های آنان را قلع و قمع می‌نماید.

معین است که ریشهٔ چنین اعتراضات و نارضایتی‌ها به وجود اجحافات و در نداری مردم از تهیهٔ لقمه ای نان بر می‌گردد و بیش از دو دهه است که سرمایه به‌گونه‌ای افسار گسیخته به تنمه‌های کارگران و زحمتکشان یورش

آورده است تا از بحران دائم‌التزایدش بدر آید. قطع خدمات اجتماعی و بیکارسازی‌های بی‌رویه و به‌عبارتی دیگر هدف‌مند سازی پارانها، زندگی را بر میلیون‌ها انسان تلخ نموده است؛ می‌خواهند با ویرانی هر چه بیشتر زندگی محرومان، سیاست‌های چپاول‌گرایانه خود را به پیش ببرند. از یکسو سرمایه‌متقلب، در تقلاست تا از وضع کنونی بدر آید و از دگرسو میلیاردها انسان جهان خواهان ادامه چنین زندگی نکبت‌باری نیستند. این جدال و نابرابری‌ها را می‌شود در همه‌جا به‌عینه دید. به سر تیتز روزانه خبرگزاری‌های امپریالیستی تبدیل گشته است. معترضان به وضع کنونی میدان‌های "آرام" و "سکوت" سرمایه را قرق نموده‌اند و با برافراشتن پلاکاردها و شعارهای متفاوت، خواهان تغییر وضعیت کنونی‌اند. مدت‌هاست که منش اعتراض و دخالت در تغییر سرنوشت خودی جای‌گزین روحیه ترس و بی‌تفاوتی‌ها گردیده است. اعتراضات مردم شمال افریقا و کنار گذاشتن دیکتاتورهای یکی پس از دیگری توسط قدرت‌مداران جهانی به‌منظور جلوگیری از هر چه رادیکالیزم‌تر شدن اعتراضات مردمی و به تبع آن مخالفت میلیون‌ها انسان در کشورهای متفاوت اروپا، امریکا و غیره، گواه چنین حقیقتی است که نمی‌توان بیش از این به "آبادانی" هر چه بیشتر زندگی اندکی بسیار قلیل جامعه اندیشید؛ آشکار شده است که نمی‌توان بیش از این بدون دغدغه سیاست‌های خود را به پیش بُرد و از عکس‌العمل‌های به‌حق و به‌جای مردمی به دور ماند. به کلامی واقعی دنیا در تلاطم و تنش است و آرامی‌های سرمایه در هم ریخته شده است و به راستی که چنین در هم ریخته‌گی‌هایی، بی‌سابقه است.

مردم از دست حاکمان منفعت طلب به تنگ آمده‌اند و زل‌ه‌اند و بی دلیل هم نیست که در خیابان‌ها حضور یافته‌اند؛ حضوری که می‌توان از زمره نقاط قوت و دستاوردهای این‌دوره از اعتراضات مردمی به حساب آورد و طبعاً چنین دستاوردهایی، غیر قابل کتمان، و فراوان‌اند؛ حضوری که فضای مطلوب دولت‌مردان را در هم ریخته است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای با مزاج سرمایه‌داران و سودجویان هم‌خوانی‌ای ندارد؛ اما در مقابل، و در کنار تمامی نتایج به دست آمده و ثمربخش، جنبش‌های اعتراضی حامل نواقص و نارسائی‌هایی‌ست که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌توجه بود و یا آن‌ها را به حاشیه انداخت.

بدیهی است که اعتراضات جوانان و مردم جهان - و آن‌هم - با هر تعیین و جنسی، به اوضاع نابه سامان و وخیم زندگی آنان مربوط می‌گردد. این یکسانی‌ها را می‌توان علی‌رغم انتخاب دو نوع از اشکال اعتراضی به‌عینه مشاهده نمود. به عبارتی و بنابه ده‌ها دلیل نگاه و رویکردهای جنبش‌های اعتراضی کشورهای وابسته و مناطق شمال افریقا با نگاه و رویکرد اعتراضات مردم اروپا، امریکا و کانادا متفاوت است، در حقیقت به دلیل تسلط و تمرکز سرمایه در دست، دست‌نشانندگان و وابستگان، جنبش‌های اعتراضی منطقه خاورمیانه و شمال افریقا نشانه مستقیم‌شان دولت‌مردان و حکومت‌ی‌ان‌اند و به همین دلیل و از همان آغازین، این اعتراضات رنگ سیاسی به خود گرفته و در مقابل، شعارهای محوری و نگاه اعتراضات مردم و جوانان کشورهای اروپا و امریکا به مراکز اقتصادی است. یکی به درست نشانه‌اش به قدرت‌های سیاسی و طبقه حاکمه است و دیگری نگاهش صرفاً و صرفاً، به مراکز و ساختمان‌های سود و چپاول است؛ بدون این‌که بر این موضوع دقت لازم شود، که بدون حمایت بی‌دریغ و ثانی‌های دولت‌هایی همچون اوباما، سارکوزی، کامرون و غیره، صدها مرکز اقتصادی و سودجو قادر به دوام نیستند؛ مراکزی که اهرم‌های دولتی در زمان تعرض معترضان، سازمانیافته و با هدف‌مندی معین و روشنی به‌میدان آمده و تظاهرکنندگان را به خاک و خون می‌کشاند. ده‌ها نمونه را می‌توان شاهد گرفت و نشان داد که هر زمان اعتراضات مردمی و جوانان، مراکز سود و چپاول را مورد تعرض خویش قرار داده‌اند، چگونه ابزارهای سرکوب به حفظ و حراست از آنان پرداخته‌اند.

به راستی مگر به غیر از این است که رشد و شکوفائی اعتراضات مردمی منوط به گسست از تمامی عناصر وابسته و مرتجع است؟ مگر به غیر از این است که مراکز اقتصادی و چپاول بدون حمایت و پشتیبانی دولت مردان کنونی قادر به دوام نیستند؟ مگر به غیر از این است که نشانه گرفتن صرف مراکز اقتصادی و بدون پیوند آن با مبارزه سیاسی نمی‌توان سخنی از تغییر بنیادی زندگانی میلیون‌ها انسان محروم بهمین آورد؟ مگر به غیر از این است که یکی بدون دیگری ناکامل می‌باشد؟ و ..

در حقیقت رشد هر جنبش اعتراضی به پیوند دائمی و روزانه مقوله‌های آن و مهمتر از همه این‌ها به هدایت صحیح آن‌ها بر می‌گردد. همچنین باید اذعان نمود که دور زدن و ادامه حرکت تاکنونی، هم جنبش را فرسوده خواهد کرد و آنرا از شور و شوق خواهد انداخت و هم مجالی به دولت مردان خواهد داد تا جنبش‌های اعتراضی را به مسیر دل‌خواه خود سوق دهند. به بیانی خصلت جنبش و اعتراضات خیابانی با خصلت جنبش و اعتراضات میادین تولیدی متفاوت است. من حیث المجموع خطاب جنبش‌های خیابانی حاکمان و دولت مردان‌اند و بر همین اساس لازم و ضروری است تا از مبارزه صرف افشاءگرانه و سمبلیک گذر نمود و آنرا به مسیر بالاتری سوق داد. این‌ها آن نارسائی‌ها و نواقصی است که بر اعتراضات خیابانی حاکم گردیده است و از یکطرف مشاهده است که چگونه اعتراضات به حق مردمی در کشورهایی همچون تونس، مصر و لیبیا و غیره به دلیل فقدان رهبری سالم و سازنده توسط عده‌ای دیگر از وابستگان به سرمایه‌های جهانی به سرقت برده می‌شود و از طرف دیگر به دلیل تجمعات طولانی مردم و جوانان در مقابل مراکز اقتصادی، ما شاهد روند رو به جلو اعتراضات مردمی در این‌جا و آن‌جا نباشیم.

خلاصه این‌که پیشرفت هر جنبشی نیازمند سیاست مستقل از جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی و باندهای مسلح وابسته به نظام‌های امپریالیستی است. به عبارتی دقیق‌تر جنس و نوع جنبش‌ها را می‌توان از طریق هدایت کنندگان آن سنجید و تا زمانی که این گردونه ناصحیح و تا زمانی که حاکمیت دار و دسته‌های امپریالیست‌ها و باندهای مسلح و مرتجع از سر جنبش‌های اعتراضی بر چیده نشوند، سرمایه همچنان حکمرانی خود را - علی‌رغم بحران فزاینده - به میلیون‌ها انسان رنج‌دیده تحمیل خواهد نمود. امروزه تأکید بر نارسائی‌های اعتراضات مردمی و دوری از اغراق و ذوق‌زدگی می‌تواند تا حدودی ناروشنی‌ها و ناخالصی‌ها را به کنار زند و بر شفافیت جنبش‌های اعتراضی بیفزاید. توهمی در آن نیست که ناتو و دولت‌مداران بزرگ جهانی در هیچ قاره و در هیچ یک از جوامع طرف مردم نیستند و قصد و مقصودشان حفظ و حراست از طبقه سرمایه‌داری است. به تجربه دریافته شده است که نه ناتو و دولت مردان جهانی خواهان رهائی توده‌های محروم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از زیر سلطه رژیم‌های وابسته‌اند و نه مراکز اقتصادی بدون حمایت و پشتیبانی بی‌وقفه دولت‌های همچون اوپاما، کامرون، سارکوزی و غیره قادر به دوام‌اند.

۲۸ اکتبر ۲۰۱۱

۶ آبان ۱۳۹۰